



مسئولیت روحانی

تحلیل عباس عبدی از چیدمان کابینه و انتخاب شهردار تهران در گفت و گو با «اعتماد»:

روحانی مدیون کسی نیست

رئیس جمهور در چپش کابینه دیگران را هم به بازی بگیرد



سباظهران / اعتماد

گروه احزاب

نقش جهانگیری

آقای جهانگیری به طور قطع می تواند مطالبات اصلاح طلبان را دنبال کند. افراد دیگری هم هستند. این نوع تمایزگذاری ها درست نیست. مطالبات اصلاح طلبان را خودشان در عرصه عمومی و سیاست باید پیگیری کنند.

طرفینی است؟

این نگرانی تا حدی طبیعی است چرا که ممکن است طرفین ارتباط کافی و نزدیک نداشته باشند یا دیدگاه های شان را بنا بر ملاحظات به طور دقیق به هم منتقل نکنند. طرفین محدودیت ها و معذورات خاص خود را دارند. آنچه مساله اساسی است، این است که دولت و آقای روحانی متکی بر نگرشی پیروز شدند و خودشان هم بر این موضوع تاکید کردند. اجزای آن نگرش فارغ از اینکه کدام جناح سیاسی آن را دنبال می کند، طبیعی است که در انتخابات کمابیش مطرح شده است. انتظار عمومی این است کسانی به عنوان وزیر معرفی شوند که بتوانند احماون و مجریان امینی برای این نگرش باشند. از اینجا به بعد مساله فرعی است. نکته مهم تر نیز در این تعامل وجود دارد. ممکن است آقای رئیس جمهور در ذهنش باشد که آقای ال فرد بسیار خوبی برای معرفی شدن به عنوان وزیر باشد اما به نظر بنده بهتر است که این نتیجه را از مشورت با دیگران استخراج کند. دیگران هم حس کنند که حضور دارند و در بازی شرکت داده شده اند. وقتی گفته می شود «دیگران» فقط مصوبه اصلاح طلبان نیستند بلکه هر کس دیگری هم می تواند باشد. بنیاد سیاست مبتنی بر مشارکت است. هر سیاستمداری که مشارکت و گفت و گو و نادیده بگیرد بهترین نیروها را هم که انتخاب کند دیگران در زمان مناسب خود را از او جدا می کنند.

از میان شورای عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان، فراکسیون امید و چهره های ملی جریان اصلاحات کدام یک را واجد ویژگی های لازم و دارای اولویت برای طرف مشورت قرار گرفتن از سوی رئیس جمهور می دانید؟

بخشی از تعامل مربوط به فراکسیون امید است که بسیار هم اهمیت دارد چون باید به وزیر ارای اعتماد دهد. باید آنها حس کنند که به بازی گرفته شده اند و احترام شان حفظ شده است و برای نظارت شان اهمیت قابل شده اند. شورای عالی سیاستگذاری فارغ از جزئیات و افرادشان باید طرف گفت و گو قرار بگیرند. البته من خیلی آشنایی کامل با موضوع ندارم و خیلی هم فکر نمی کنم. اهمیتی داشته باشد، چهره های استنبس به اصلاحات با احترام برخورد کرده و روشن هستند. من متقدم کم با آنها هم باید گفت و گو شود. خیلی چهره ها و شخصیت هایی هستند (از هر دو جناح) که به صفت فردی اهمیت دارند و آقای رئیس جمهور می تواند با آنها هم مشورت کند.

این روزها بر برخی اصلاح طلبان درباره نحوه تعامل دولت با جریان اصلاحات ابراز نگرانی می کنند. این تعامل از نظر شما واجد چه ویژگی های

عمومی و سیاست باید پیگیری کنند. وقتی که عرصه عمومی را بازسازی کرده و فعال باشید، سیاستمداران مجبور می شوند با آن راه بیایند. نگاه به دولت و اینکه فلان شخص باشد و فلان شخص دیگر نباشد به نظر من مخمل اهداف اصلاح طلبانه است. البته به این معنی نیست که آقای رئیس جمهور هر کس را انتخاب کند. طبیعی است که اصلاح طلبان می توانند هر زمان که خواستند مخالفت کنند. این نوع نگاه ها را باید کنار گذاشت و نگاه سازنده تری به حوزه سیاست داشت.

عملکرد شورای شهر و شهرداری تهران تا چه اندازه در افزایش محبوبیت اجتماعی گفتنم اصلاح طلبی یا مغضوبیت آن تاثیر و اهمیت دارد؟

به حال شهرداری های کلاشهرها به ویژه تهران جایگاه بسیار مهمی است و به شکلی می توان گفت سطح اداره هر شهری به ویژه تهران به مراتب از سطح یک وزارت خانه مهم یا حتی چند وزارت خانه بالاتر است و در استان ها هم از چند اداره کل بالاتر است. در نتیجه هر نیروی سیاسی باید سعی کند بهترین کارایی خود را در حوزه مدیریت شهری و شهرداری نشان دهد. ضمن اینکه مساله شهر فقط یک کار اجرایی نیست؛ یک زندگی مدنی هم هست. ممکن است وزارت خارجه کارهایی را انجام دهد که برای یاد باشد و مستقیم در کی از آن نداشته باشیم ولی ما در شهر زندگی می کنیم. مساله زندگی در شهر، ارتباطات و تغییراتی که از طریق شهر می توان در محیط اجتماعی و روابط داد بسیار اهمیت دارد. هر نیروی سیاسی باید به این مساله توجه کند.

مهم ترین آفت ها و تهدیدات شورای شهر آینده از نگاه شما چیست؟

آفت هایی که شورای شهر را تهدید می کند این است که وارد دعوها و مسائلی شوند که اهمیت درجه اول را در مدیریت شهری نداشته باشد. موضوع دیگر این است که بحث فساد و مشکلات مربوط به آن را نادیده بگیرند و همین طور بخواهند که وضع موجود ادامه پیدا کند. اصلاحاتی که در شهرداری تهران به خصوص از حیث منابع در آمدی باید انجام شود بسیار مهم و پر در دسر خواهد بود بنابراین شورای شهر اگر به شکل مجموعه ای عمل کند که مساله شان به معنای واقعی کلمه شهر باشد و سعی کنند از اختلافات جزئی پرهیز کنند می تواند موفق باشد؛ هر چند که تا آن رسیدن به یک شهر مطلوب راه زیادی در پیش باشد.

شهردار تهران چه شاخص ها و مولفه هایی باید داشته باشد؟

شهردار تهران اهمیتی بیشتر از چند وزیر دارد. بنابراین در درجه اول باید به شکلی معرفی و نماد مردم شهر باشد. این حیث شهردار تهران یک پست سیاسی است و فقط از یک سمت اجرایی نیست بلکه یک سمت مدیریتی، اجرایی و سیاسی است که می تواند معاونان اجرایی متعدد و متنوعی داشته باشد. نمی توان مسوولیت های شهردار را به برنامه های اجرایی مدیریتی محض تقلیل داد. به خصوص در کلاشهرها و به ویژه تهران این موضوع صدق می کند.

انتظار عمومی این است کسانی به عنوان وزیر معرفی شوند که بتوانند احماون و مجریان امینی برای این نگرش باشند. اینچا به بعد مساله فرعی است.

اما اساسا برای حمایت از آقای روحانی در انتخابات نامید می کنند، مساله اساسی است که چیزی به جایش بدهد. این نگاه مخمل سیاست ووزی اصلاح طلبانه است.

به طور قطع فقدان تعامل فاصله ایجاد می کند نه فقط با اصلاح طلبان بلکه با هر نیروی دیگر. حتی اگر به لحاظ محتوایی هم نزدیک باشند هنگامی که تعامل و گفت و گو نباشد به هم بد بین می شوند. تردیدی نیست که چنین اتفاقی خواهد افتاد. رکن سیاست مشارکت و گفت و گو است چه با دوست، چه با دشمن و چه با هر کس دیگری. آقای جهانگیری به عنوان مساون اول در دولت حضور دارد. آیا او می تواند مطالبات اصلاح طلبان را نمایندگی و پیگیری کند؟

آقای جهانگیری به طور قطع می تواند چنین چیزی را دنبال کند. افراد دیگری هم هستند. این نوع تمایزگذاری ها درست نیست. مطالبات اصلاح طلبان را خودشان در عرصه عمومی و سیاست باید پیگیری کنند. وقتی که عرصه عمومی را بازسازی کرده و فعال باشید، سیاستمداران مجبور می شوند با آن راه بیایند. نگاه به دولت و اینکه فلان شخص باشد و فلان شخص دیگر نباشد به نظر من مخمل اهداف اصلاح طلبانه است. البته به این معنی نیست که آقای رئیس جمهور هر کس را انتخاب کند. طبیعی است که اصلاح طلبان می توانند هر زمان که خواستند مخالفت کنند. این نوع نگاه ها را باید کنار گذاشت و نگاه سازنده تری به حوزه سیاست داشت.

که شورای شهر فعلی نزدیک به این گزینه شود البته اگر شوراصولنگر بود که قطعا به چنین موردی نزدیک نمی شد. آیا به صرف اینکه شهردار یک نیروی سیاسی باشد کافی است یا اینکه باید لاجرم آشنایی به مدیریت کلاشهر پیچیده ای مثل تهران داشته باشد و دارای سوابقی در این زمینه باشد؟

اگر به دنبال این باشیم که هر کس که بستی را می گیرد همیشه بهترین اطلاعات را در زمینه مشخص خود باید داشته باشد، اشتباه است. این ایده درستی نیست. مثلا وقتی می خواهیم فردی را وزیر بگذاریم، اگر کسی این استدلال را قبول داشته باشد یا باید وزیر فعلی باشد یا دو نفر از معاونان شان باشند. افراد دیگری انقدر اطلاعات ندارند که مصداق داشتن این ویژگی شوند. باید سطح وزار تخانه را با سطح کارشناسی جدا کرد. در سطح مدیریت نیاز نیست که یک فرد به جزئیات موضوع آگاه بوده و کارشناس باشد. اساسا ممکن است این مساله نامطلوب هم باشد. یک مدیر باید دیدگاهی کلان داشته باشد اما این نکته را باید در نظر بگیرد که همواره از بهترین کارشناس ها برای امور کارشناسی اش استفاده کند. خودش نباید جای کارشناس بنشیند. اینکه فردی بخواهد شهردار تهران شود، اسم خیابان ها را بپاند و تهر انگر دی کرده باشد و بداند جمعیتش چقدر است و جزئیاتش چیست، خوب است اما شرط لازم برای شهردار شدن نیست. شهردار باید دیدگاه کلان و نظام مدیریتی قوی داشته باشد. در این صورت به راحتی می تواند از بهترین نیروها استفاده کند و شهر را سر و سامان دهد.

به نظر شما این حرف که کسی که شهردار می شود نباید به فکر ریاست جمهوری باشد حرف منطقی و درستی است یا خیر؟

نمی خواهم بگویم که کسی که شهردار می شود حق ندارد به فکر ریاست جمهوری باشد. در واقع بحث اصلی این نیست اتفاقا هیچ ایرادی ندارد که یک نفر در شهرداری خوب کار کند و بعد نامزد ریاست جمهوری هم بشود. مشکل ما از اینجا شروع می شود که شهر را اگر و گران نامزدی ریاست جمهوری شان می کنند. مصالح کوتاه مدتی برای خود در نظر می گیرند و به جای مصالح بلندمدت شهر قالب می کنند. ایرادی ندارد که کسی بخواهد رئیس جمهور بشود. چه جایی از این بهتر که مدتی در شهرداری کار کند و بعد آن را به عنوان تجربه خودار ایه کند. در اروپا هم این موضوع را داشته ایم. واک شیراک مدت زیادی شهردار پاریس بود و ریاست جمهوری او هم شده است. مساله اساسی این است که شهردار به گروگان برنامه های نامزدی او در نیاید. در ایران به دلیل اینکه نهادهای نظارتی از جمله شورای شهر قوی نیستند، ترجیح دارد که فردی که می خواهد شهردار شود از ابتدا دور ریاست جمهوری را خط بند تا نشان دهد که آمادگی این را دارد. که به شهر خدمت کند و نه به برنامه انتخاباتی خود. در غیر این صورت اگر بخواهد می تواند شهر را اگر و گران انتخابات ریاست جمهوری کند اما وقتی که خود را به این شکل از خواست رئیس جمهور شدن منفک کند در واقع

- **اتفاقی خواهد افتاد.**
- **هیچ ایرادی ندارد که یک نفر در شهرداری خوب کار کند و بعد نامزد ریاست جمهوری هم بشود. مشکل ما از اینجا شروع می شود که شهردار را اگر و گران نامزدی ریاست جمهوری شان می کنند.**
- **شهردار تهران اهمیتی بیشتر از چند وزیر دارد. بنابراین در درجه اول باید به شکلی معرفی و نماد مردم شهر باشد. از این حیث شهردار تهران یک پست سیاسی است و فقط یک پست اجرایی نیست بلکه یک سمت مدیریتی، اجرایی و سیاسی است که می تواند معاونان اجرایی متعدد و متنوعی داشته باشد.**

نشان می دهد که حداقل در این مورد چنین صدی ندارد. نوع ارتباط شورای شهر تهران با توجه به یکبار چه **اصلاح طلب بودن با شهردار باید چطور باشد؟** خیلی این را حسن نمی دانم که شورای شهر تماما بیکندس شده باشد. این هیچگاه به نفع هیچ کس نخواهد بود. مساله اصلی این است که شورای شهر بتواند یک نظارت قانونی و موثر داشته باشد و اعضای آن اسیر امکانات شهرداری نشوند. اختیارات متناهی است شهردار، معاونان و سازمان های شهری، شورای شهر را منغل کنند و مسیر خود را ببرند. همان طور که در گذشته این امر را مشاهده کرده ایم. با وجود اینکه مهم تر تصمیم شورای شهر انتخاب شهردار است، نباید به نحوی عمل کند که انتخاب شهردار تصمیمات و سیاست های بعدی شورای شهر را بلاموضوع کند. شورای شهر در مقابل شهردار نباید منغل شود.

باشگاه اصلاحات

ارتباط سازمان یافته با دولت دوازدهم

باشد. در این صورت انرژی ها به سمت هم افزایی می رود. نظهار ارتباطی دیگر با دولت می تواند فراکسیون امید که هم ارتباط تعریف شده ای را می تواند برقرار کند. اصلاح طلبان مجلس شورای اسلامی وظایفی را در قبال دولت دارند. اصلاح طلبان مجلس شورای اسلامی با توجه به تعداد افرادی که دارند، می توانند یکی از پایگاه های حمایتی دولت در مجلس باشند. همکاری دولت و مجلس در حل مشکلات و معضلات کشور امری ضروری و لازم است. از این جهت که اصلاح طلبان توانسته اند فراکسیون قدرتمندی را در مجلس تشکیل دهند باید به افزایش ارتباط با دولت بیفزایند. در یک سال گذشته نیز فراکسیون امید تا حدی توانست تعامل سازنده ای را با دولت شکل دهد. فراکسیون امید از دولت دفاع و پشتیبانی کرده و کارشناسی در اقدامات رئیس جمهور نکرده است. بنابراین ارتباط دولت و اصلاح طلبان از طریق این دو تشکیلات می تواند به پیش برود. این دو سازمان سیاسی می توانند در مجموع ارتباط خوبی را با دولت شکل دهند. این ارتباط باید هدف و راه مشخصی داشته باشد. کمک و همکاری با دولت در گام های مثبت و تحقق کارها و هم مشورت دادن به دولت و انتقاد برای بهبود عملکردش از جمله اهدافی است که این تعامل و ارتباط باید داشته باشد. به شکل تعریف شده ای می توان این



داریوش قنبری
فصل سیاسی اصلاح طلب

امروز بیش از هر زمانی ضرورت ارتباط و تعامل اصلاح طلبان و دولت احساس می شود. دولت دوازدهم به راهی از رای پایگاه اجتماعی جریان اصلاحات است. شعارهای دولت در ایام انتخابات حاوی نگرشی نزدیک به این جریان سیاسی بود. از این رو این همدلی و هم فکری در این دو طیف باید تقویت شود. جریان اصلاحات باید ارتباطش را با دولت محکم تر و سازمان یافته تر کند. در جریان اصلاحات بهترین نهاد و تشکیلاتی که الان می تواند این ارتباط را به شکل تشکیلاتی برقرار کند، شورای عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان است.

این شورا عام ترین و گسترده ترین تشکیلاتی است که اصلاح طلبان را نمایندگی می کند و همه طیف های اصلاح طلب را در بر می گیرد. بنابراین فراگیری این تشکیلات می تواند در ایجاد ارتباط سازنده و میان بین دولت و اصلاح طلبان موثر باشد. اگر هر یک از تشکیلاتی متعدد جریان اصلاحات بخواهند تک تک با دولت ارتباط برقرار کنند، وقت و انرژی آقای روحانی گرفته می شود. در این صورت وحدت رویه ای را نیز شاهد نخواهیم بود. به همین دلیل است که ارتباط و سازماندهی باید برنامهریز شده و نظام مند

افزایش همبستگی ملی، نتیجه تعامل با دولت

این نقش انتقال نظرات و مشورت ها را ایفا کند. طبیعتا فراکسیون امید هم می تواند موثر باشد. اینگونه نیست که اصلاح طلبان خود را محدود و منحصر به یک کانال ارتباطی کنند. برخی نظرات و پیشنهادات نیز به دلیل شرایط زمانی باید به موقع منتقل شود، از این جهت شخصیت ها و احزاب اصلاح طلب نیز می توانند از ظرفیت های شان استفاده کنند. همه این مشورت ها باید هم راستا با هم باشند و یک توان هم افزایی برای انتقال نظرات ایجاد شود. فراکسیون امید هم در شورای عالی نماینده دارد و حلقه وصل این دو خود اداره عارف است. مجموعه فراکسیون امید و شورای عالی فاصله ای با هم ندارند و این شورا می تواند ارتباطش را کامکان حفظ کند. نکته ای که باید به آن توجه کرد هدف این تعامل است. آنچه امروز به عنوان تعامل میان اصلاح طلبان و دولت نامیده می شود هدفش تامین بهتر منافع ملی و کمک به دولت است تا مسائل و مشکلاتی که کشور با آن روبه رو است بهتر حل شود. دولت به ویژه باید این بستر و زمینه را فراهم کند و به استقبال تعامل با عقبه سیاسی حامیان خود بود. دولت نه تنها برای اصلاح طلبان بلکه برای سایر نخبگان و شایستگان باید فضایی فراهم کند که آنها نیز بتوانند نقطه نظرات خود را منتقل کنند. اگر این اتفاق رخ دهد همه افراد و گروه ها احساس موثر بودن خواهند داشت. درست است که عقبه هم مسئولند و باید پیشنهادات



حسین کاشی
عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت

در انتخابات ریاست جمهوری که بر گزار شد اصلاح طلبان همان طور که از قبل گفته بودند موثری ایفا کردند، چرا که برای شان آینده کشور و حل مشکلات و مسائل اساسی ایران مطرح بود و به منافع ملی توجه کردند. همه اصلاح طلبان از شخصیت ملی مانند آقای خامنه ای نگاه های نظیر شورای عالی سیاستگذاری، فراکسیون امید، احزاب و سایر شخصیت ها با تمام ظرفیت خود وارد میدان شدند. پیشرفت و توسعه کشور دغدغه اصلی اصلاح طلبان است و به همین دلیل آنها بدون هیچ شرط و شروطی وارد انتخابات شدند. این ارتباط موثرتر با دولت در دادن پیشنهاد باید حفظ شود. دولت کارش را انجام می دهد و خوب است که در همه زمینه ها کمک شود تا عملکرد دولت هم بهبود یابد. این کمک می تواند مشورتی، انتقادی یا عملیاتی باشد. بخشی از مشورت ها از طریق سازمان یافته نظیر شورای عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان منتقل می شود. این شورا نقش موثری در انتخابات مجلس، شوراها و ریاست جمهوری داشته است. بنابراین شورا عالی سیاستگذاری یکی می شکل است که می تواند